

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فیش منبر

شب قدر

سیره معصومین در شب قدر



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایستا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

ای شب ای همراه بی همتای دل
پا نهی هر جا به جای پای دل
ای شب ای میعاد جمله عاشقان
لیله القدری تو و قدرت نهان
شب، نماز مصطفی را دیده است
شب، مناجات علی بشنیده است
هست با گوش دل شب آشنا
صوت زهرا و حسین مجتبی «ع»
دیده شب ها دور از چشم همه
اشک زینب دیده، دفن فاطمه
در دل شب عاشقان پاکباز
با خدای خویش در راز و نیاز
با چنین رخشنده گوهرهای شب

من کی ام تا نام رب آرم به لب «اسماعیل منصوری»

شب قدر در فرهنگ قرآن و روایات از جایگاه بس عظیمی برخوردار است تا آنجا که شب قدر در قرآن برابر با هزار ماه و شب نزول قرآن و شب تعیین تقدیرات یک سال و شب مبارک معرفی شده است و در روایات هم تعبیرات زیبایی از شب قدر آمده است، همچون شب بخشیده شدن گناهان و این که هر کس در آن شب بخشیده نشود، مورد نفرین خدا واقع می شود. (۱)

پیامبر اکرم «ص» فرمودند: «مَنْ حَرَمَهَا فَقَدْ حَرَّمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ»؛ (۲) هر کس از شب قدر محروم گردد، از تمام خیرات بی نصیب شده است.»

با توجه به عظمت شب قدر جا دارد که برای نحوه بهره گیری و بهره برداری بیشتر از فیض های معنوی آن، سیری در سیره پیشوایان معصوم «ع» در شب قدر داشته باشیم، باشد که ره توشه هایی از آن برگیریم. البته همه حالات معصومان «ع» در این شب با عظمت و ارتباطی که با عالم بالا و ملکوت داشته و دارند، نه قابل درک و فهم غیر معصومان است و نه در تاریخ انعکاس یافته است و آنچه بیان می شود فقط گوشه هایی از رفتارهای ظاهری آنان است و نه عمق و ژرفای حالات آنها.

الف) شب زنده داری

از اعمالی که در طول سال، مخصوصاً شب های مبارک رمضان و علی الخصوص در شب قدر بدان سفارش اکید شده است، احیا و شب زنده داری است. پیامبر

اکرم «ص» فرمودند: «مَنْ أَحْيَا لَيْلَهُ الْقَدْرَ حَوْلَ عَنهُ الْعَذَابُ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ؛ (۳)

کسی که شب قدر را زنده بدارد، عذاب تا سال آینده از او روی می گرداند.»

معصومان «ع» نیز همه این سنت حسنه را پاس و گرامی می داشتند و از آن بهره می بردند:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها در شب قدر بیدار بود، بلکه در دهه

سوم ماه مبارک رمضان کاملاً بستر خواب را جمع می کرد و به عبادت می

پرداخت. حضرت علی «ع» در این باره فرموده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَطْوِي

فِرَاشَهُ وَيَشُدُّ مِئْزَرَهُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَكَانَ يُوَقِّظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ

ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ وَكَانَ يَرُشُّ وَجْهَهُ النَّيَامَ بِالْمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ (۴) رسول خدا «ص»

در دهه آخر از ماه رمضان رختخواب خویش را جمع می کردند و کمر بند [همّت

برای عبادت] را محکم می بستند و همیشه اهل و عیالش را در شب بیست و

سوم بیدار نگه می داشتند و بر روی خواب رفتگان در آن شب آب می پاشیدند

[تا از درک شب قدر و درک شب زنده داری محروم نشوند].. ایشان حتی در

شب های بارندگی در حالی که مسجد مدینه سقف نداشت، عبادت و شب زنده

داری را ترک نمی کردند و دیگران را با رفتار خویش وامی داشتند که در همان

گل و باران بیدار باشند و نماز گزارند. (۵)

۲- امام علی «ع» نیز در طول سال، آنگاه که شب پرده های تاریکی را می انداخت،

بیدار و مشغول عبادت و شب زنده داری می شدند، (۶) اما در شب های قدر حال

ویژه ای داشتند و در بدترین وضعی که مسجد مدینه را آب و گل فرا گرفته بود، مشغول عبادت و شب زنده داری می شدند و به ویژه در شب قدر آخر عمر خویش، حال فوق العاده عجیبی داشتند.

۳- فاطمه زهرا «س» نیز آن قدر عبادت می کردند که امام حسن «ع» می فرمایند: «ما كان في الدنيا عبد من فاطمه «س»، كانت تقوم حتى تورم قدمها؛ (۷) عابدتر از فاطمه «س» در دنیا نبود. همیشه آن قدر به عبادت می ایستادند که پاهای [مبارکشان] ورم می کرد.»

علت نامگذاری ایشان به «زهرا» نیز این است که شب ها نور عبادت و شب بیداری شان به سوی آسمان می تابید (۸)؛ اما در شب قدر حال به خصوصی داشتند، نه تنها بیدار بودند که بچه ها و فرزندان خویش را نیز وادار می کردند که شب بیدار باشند، چنان که در روایتی می خوانیم: «وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ «ع» لَا تَدَعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُدَاوِيهِمْ بِقَلِّهِ الطَّعَامِ وَ تَتَأَهَّبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مِنْ حَرَمٍ خَيْرَها؛ (۹) روش فاطمه «ع» این بود که هیچ فردی از خانواده خویش را نمی گذاشتند در آن شب (بیست و سوم) بخوابد و [مشکل خواب] آنها را با کمی غذا و آمادگی در روز درمان می نمودند و می فرمودند: «محروم است کسی که از خیر [و برکت] آن شب محروم شود.»

۴- امام باقر «ع» فرمودند: «هر کسی شب قدر را احیا بدارد، خداوند مهربان گناهان او را می آمرزد.» (۱۰) و شیخ عباس قمی نقل کرده است که «امام باقر «ع»

در شب بیست و یکم و بیست و سوم تا نیمه شب دعا می خواندند و آنگاه به نماز می پرداختند». (۱۱)

۵- امام هفتم «ع» نیز در طول سال اهل شب زنده داری و عبادت بودند. در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم: «شب ها تا سحر بیدار بود و طلب آمرزش می کرد و همدوش سجده های طولانی، چشم گریان و اشکبار و مناجات بسیار و زاری های پیوسته و پی در پی بود.» (۱۲) وقتی حضرت در غیر رمضان چنان باشند، حال آن حضرت در شب قدر قبل توصیف نیست.

امام نه تنها خود شب زنده داری و عبادت داشتند که به دیگران نیز می فرمودند: «مَنْ اغْتَسَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ أَحْيَاهَا إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ؛ (۱۳) کسی که در شب قدر غسل کرده و تا سپیده صبح شب زنده داری کند، گناهانش آمرزیده می شود.»

۶- امام حسن عسکری «ع» نیز چون پدران خود، در طول سال و مخصوصاً در شب قدر اهل مناجات های طولانی و شب زنده داری بودند. (۱۴) و به شیعیان خود نیز این اعمال را اکیداً سفارش می کردند؛ از جمله، می فرمود: «فَلَا يَفُوتُكَ إِحْيَاءُ لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ؛ (۱۵) پس بیداری در شب بیست و سوم را از دست نده!»

ب) تجمع در مساجد

از مسائلی که معصومان «ع» نسبت به آن حساسیت ویژه نشان داده اند، حضور در مسجد در شب قدر است. اشاره شد که پیامبر اکرم «ص» حتی در شب های بارانی و گل بودن مسجد مدینه، حضور در مسجد را در شب های قدر ترک نمی کردند. از آن بالاتر در دهه سوم ماه مبارک رمضان، شب و روز در مسجد معتکف بودند. این همان سنت حسنه ای است که در سال های اخیر در بسیاری از شهرها، از جمله «قم» در ایام ماه رجب - سیزدهم تا پانزدهم - زنده شده است و باید دانست که بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان است.

امام علی «ع» در این زمینه می فرمایند: «فَلَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ؛ (۱۶) پس [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] همیشه در دهه آخر ماه رمضان در حال اعتکاف بودند تا آن وقت که خداوند ایشان را گرفت.»

یحیی بن رزین نقل کرده که «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَرِيضًا مُدْنِفًا فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ فَكَانَ فِيهِ حَتَّى أَصْبَحَ لَيْلَهُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ (۱۷) امام صادق «ع» بیماری شدیدی داشتند. دستور دادند ایشان را به مسجد پیامبر «ص» ببرند و تا صبح شب بیست و سوم ماه رمضان در آنجا باقی ماندند.»

موارد فوق نشان می دهد که حضور در مساجد، در شب های با عظمت قدر خصوصیتی دارد که باید بدان توجه شود و پیروان اهل بیت «ع» شایسته است که به خوبی از مساجد استقبال کنند.

ج) قرآن سرگرفتن

یکی دیگر از اعمال شب قدر که در سیره معصومان «ع» دیده می شود و بحمدالله، در جامعه تشیع به خوبی جایگاه خود را یافته است، مراسم قرآن سرگرفتن است. امام صادق «ع» در این باره فرمودند: «برای سه شب قرآن کریم را مقابل خود قرار دهید و آن را بگشایید و بخوانید: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ...» (۱۸)

د) اقامه نماز جماعت

از عباداتی که مخصوصاً در ماه مبارک رمضان، سخت بدان سفارش شده، برپایی نماز جماعت است. انس بن مالک از پیامبر گرامی اسلام «ص» نقل کرده که فرمودند: «مَنْ صَلَّى مِنْ أَوَّلِ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ فِي جَمَاعَةٍ فَقَدْ أَخَذَ بِحِطِّ مَنْ لَيْلَهُ الْقَدْرُ» (۱۹) کسی که از اول تا آخر ماه رمضان در نماز جماعت حاضر شود، بهره ای از شب قدر گرفته است. و امام صادق «ع» نیز نماز صبح را به جماعت برگزار می کردند و بعد از آن تا مدتی مشغول تعقیبات می شدند. (۲۰)

موارد فوق نشانه اهمیت نماز جماعت در شب های قدر است که متأسفانه برخی مساجد ما در این زمان، نماز جماعت صبح را برپا نمی دارند و آنهایی هم که

جماعت دارند، صبح شب قدر نماز جماعت را تعطیل می کنند و بعد از مراسم قرآن سرگرفتن، همه به منازل خویش می روند که گاه باعث فوت نماز صبح می شود؛ ولی پیامبر اکرم «ص» و یاران ایشان و دیگر معصومان «ع» در سخت ترین شرایط نیز نماز جماعت شب قدر را ترک نمی کردند. حضرت علی «ع» می فرمایند: «شب بیست و سوم در حالی که باران شدیدی آمده بود و مسجد مدینه را گل و آب فرا گرفته بود، رسول خدا «ص» ما را به نماز وامی داشتند.» آنگاه فرمودند: «فَصَلِّ بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِنَّا أَرْنَبَهُ أَنْفَهُ لَفِي الطَّيْنِ» (۲۱) پس رسول خدا «ص» با ما نماز [جماعت] خواندند، در حالی که نوک بینی حضرت در گل [فرو رفته] بود.»

هـ) اطعام و افطاری دادن

از اعمالی که در ماه مبارک رمضان مورد تأکید قرار گرفته، افطاری دادن به دیگران است. پیامبر اکرم «ص» در خطبه معروف شعبانیه می فرمایند: «مردم بیدار باشید! کسی که از شما به روزه دار مؤمن در این ماه افطاری دهد، پاداش آزاد نمودن یک برده و بخشش گناهان گذشته را همراه دارد. عرض شد: ای رسول خدا! ما توان افطاری دادن نداریم. حضرت فرمود: بترسید از آتش! ولو با دادن نصف دانه خرما و از آتش پرهیزید! گر چه با دادن شربت آب باشد.» (۲۲)

پیامبر اکرم «ص» از کسانی بودند که هر چه به دیگران می فرمودد، خود بیش از دیگران بدان عمل می کردند و در این مورد نیز چنین است. «ابو شیخ ابن حیان» از پیامبر اکرم «ص» نقل کرده که حضرت فرمودند: «مَنْ فَطَرَ صَائِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ كَسْبٍ حَلَالٍ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ لَيَالِي رَمَضَانَ كُلَّهَا وَ صَافَحَهُ جِبْرَائِيلُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ مَنْ صَافَحَهُ جِبْرَائِيلُ يَرِقُّ قَلْبُهُ وَ تَكْثُرُ دُمُوعُهُ...»؛ (۲۳) کسی که با مالی که از راه حلال به دست آورده در ماه رمضان روزه داری را افطاری دهد، در تمام شب های رمضان فرشتگان بر او درود می فرستند و جبرئیل در شب قدر با وی مصافحه می کند و هر کس جبرئیل با او مصافحه کند، قلبش نرم و اشک چشمش زیاد شود.»

امام علی «ع» نیز در شب های مبارک رمضان و شب های قدر به مردم اطعام و آنها را موعظه می کردند؛ چنان که در روایتی می خوانیم: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ «ع» يَعْشُ النَّاسَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّحْمِ وَ لَا يَتَعَشَّى مَعَهُمْ فَإِذَا فَرَعُوا خَطَبَهُمْ وَ وَعَظَهُمْ... وَ قَالَ فِي خُطْبَتِهِ إِعْلَمُوا أَنَّ مَلَكَ أَمْرِكُمُ الدِّينُ وَ عِصْمَتِكُمُ التَّقْوَى وَ زِينَتِكُمُ الْأَدَبُ وَ حُصُونُ أَعْرَاضِكُمُ الْحِلْمُ؛» (۲۴) (علی بن ابی طالب «ع» همیشه در ماه رمضان، شام [و افطاری تهیه شده] از گوشت را به مردم می دادند، ولی خود از آن [گوشت] استفاده نمی کردند و هنگامی که آنان [از خوردن شام] فارغ می شدند، برای آنها خطبه می خواندند و آنها را موعظه می کردند و می فرمودند: بدانید ملاک امر [و کارهای] شما دین است و نگه دارنده شما تقوا، و زینت شما ادب و دژهای [نگه دارنده] آبروی شما حلم است.»

امام زین العابدین «ع» نیز در طول ماه مبارک رمضان در راه خدا انفاق می کردند و صدقه می دادند، چنان که در حدیثی می خوانیم: «كَانَ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ تَصَدَّقَ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَيَقُولُ: لَعَلِّي أُصِيبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»؛ (۲۵) (امام سجاد «ع» روش شان این بود که هر روز از ماه [مبارک] رمضان درهمی صدقه می دادند و می فرمودند: «شاید [با این کار صدقه] شب قدر را دریابم.»»

امام صادق «ع» فرمودند: «جَدَّمُ امَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ «ع» رُوِي كِه رُوْزِه مِي گِرَفْتَنْد، دَسْتور مِي دَاَدَنْد گُوسْفَنْدِي رَا ذَبِح كَنَنْد و پِيْزَنْد. هَنْگَام اِفْطَار كِه نَزْدِيك مِي شُد، حَضْرَت بِه دِيگ هَا سَر مِي زَدَنْد تَا بُوِي اَنهَا رَا اسْتَشْمَام كَنْد، دَر حَالِي كِه رُوْزِه دَار بُوَدَنْد. سِپَس دَسْتور مِي دَاَدَنْد ظَرْف هَا رَا پَر كَنَنْد و يَكِي يَكِي بِه دَر خَانِه اِفْرَاد [فَقِيْر] بِيْرَنْد تَا اَنجَا كِه غِذَا تَمَام مِي شُد. اَن گَاه خُود بَا نَان و خَرْمَا اِفْطَار مِي كَرْدَنْد.» (۲۶)

امام صادق «ع» نیز شب در خانه فقرا می رفتند و به آنها نان و خرما می دادند و سفارش می فرمودند: «در ماه رمضان به مردم افطاری بدهید.» (۲۷)

همراه با امیرمؤمنان، علی «ع» لیه در شب قدر

آن شب به داغ مولی مهتاب گریه می کرد

تصویر ماه در آب بی تاب گریه می کرد

شد چهره عدالت، گلگون به تیغ فتنه

پیش نگاه مسجد، محراب گریه می کرد

علی «ع» در رمضان آخر عمر خویش حال عجیبی داشتند و هر شبی را در جایی میهمان بودند. غذا کم میل می فرمودند و...

ابن حجر چنین می گوید: «هنگامی که رمضان [آخر عمر حضرت] فرا رسید، هر شب در منزل یکی از بستگان افطار می کردند. شبی در منزل امام حسن «ع»، شبی در منزل امام حسین «ع» و شبی نزد عبدالله بن جعفر [شوهر دخترشان زینب]، و بیش از سه لقمه غذا نمی خوردند، «و يَقُولُ: أَحِبُّ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ أَنَا خَمُصٌ؛ و می فرمودند: دوست دارم خدا را [با شکم] گرسنه ملاقات کنم.» (۲۸)

در شب نوزدهم منزل دخترشان ام کلثوم میهمان بودند. غذای سفره را دو قرص نان جو و مقداری شیر و نمک تشکیل می داد. حضرت با نان و نمک افطار کردند و بیش از سه لقمه میل نکردند و فرمودند: «دوست دارم خدایم را گرسنه ملاقات کنم». در آن شب حضرت سوره یس می خواندند و مرتب به آسمان نگاه می کردند و می فرمودند: «امشب، همان شبی است که به من وعده دیدار داده شده است.» (۲۹)

استاد مطهری می گوید: «علی «ع» در آن شب، انتظاری داشت. گاهی به آسمان نگاه می کرد و می گفت که حبیبم به من خبر داده است و او راست گفته و هرگز دروغ نمی گوید... بچه ها تا پاسی از شب در خدمت علی «ع» بودند. امام

حسن «ع» به منزل خود رفت. هنوز خورشید طلوع نکرده بود که بازگشت و مستقیم به مصلائی پدر رفت. حضرت به فرزندشان فرمودد: پسر جان! دیشب لحظه ای خوابم برد و پیامبر اکرم «ص» را در عالم رؤیا دیدم، عرض کردم: یا رسول الله! من از دست این امت چه خون دل ها خوردم. حضرت فرمودند: نفرین شان کن! من هم نفرین کردم که خداوند مرا از آنها بگیرد». (۳۰)

علی «ع» هیجان عجیبی داشتند و می گفتند: هر کار کردم، راز مطلب را نفهمیدم؛ «مازلتُ أَفْحَصُ عَنْ مَكْنُونِ هَذَا الْأَمْرِ وَ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَخْفَاهُ؛ (۳۱) خیلی تلاش کردم که سر و باطن این امر را به دست بیاورم، ولی خدا آن را پنهان کرد». آنگاه رهسپار مسجد شدند و چند رکعت نماز گزاردند. سپس بالای مأذنه رفتند و اذان گفتند. وقتی از بالای مأذنه پایین می آمدند، فرمودند: «خَلُّوا سَبِيلَ الْمُؤْمِنِ الْمُجَاهِدِ فِي اللَّهِ لَا يَعْبُدُ غَيْرَ الْوَاحِدِ»: باز کنید راه مؤمن رزمنده در راه خدا را که [افتخارش این است که] غیر از [خدای] واحد را نپرستیده است.»

آنگاه به مسجد بازگشتند و مشغول نماز شدند. هنگامی که سر از سجده برداشتند، شمشیر زهر آگین فرقتشان را شکافت. در این حال، فرمودند: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ... هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ؛ (۳۲) به نام خدا و به یاری خدا و بر دین رسول خدا. قسم به پروردگار کعبه که رستگار شدم... این [شهادت] چیزی بود که خدا و رسولش وعده داده بودند.»

۱. ارک: بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۸۰.
۲. کنز العمال، علی متقی هندی، مؤسسه الرساله، ج ۸، ص ۵۳۴.
۳. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۴۵.
۴. همان، ج ۹۵، ص ۱۰.
۵. همان، ص ۱۰.
۶. همان، ج ۴۱، ص ۲۱.
۷. همان، ج ۴۳، ص ۷۶.
۸. همان، ص ۱۲.
۹. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۰.
۱۰. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۱.
۱. امفاتیح الجنان، اعمال شب ۲۱، ص ۴۲۵.
۲. امفاتیح الجنان، ص ۷۲۰.
۳. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۲۸.

١٤. ر.ك: مصباح المتهجد، ص ٢٢٧؛ نهج الدعوات، ص ٢٧٧.
١٥. وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٢٦١.
١٦. بحار الانوار، ج ٩٤، ص ٧.
١٧. همان، ص ٤، ذيل روايت ٤.
١٨. همان، ح ٥، ر.ك: مفاتيح الجنان، ص ٢٢٤.
١٩. كنز العمال، ج ٨، ص ٥٤٥، ح ٢٤٠٩٠.
٢٠. وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٢٦٠.
٢١. بحار الانوار، ج ٩٥، ص ١٠.
٢٢. عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٢٣٠.
٢٣. الترغيب و الترهيب، ج ٢، ص ٩٥، ح ١٤.
٢٤. سفينه البحار، ج ١، ص ٧٠٣.
٢٥. بحار الانوار، ج ٩٥، ص ٨٢.
٢٦. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ١٣٤.
٢٧. همان، ص ١٣٤.

۲۸. انوار البهیه، شیخ عباس قمی، ص ۳۱؛ صواعق ابن حجر، ص ۸۰.
۲۹. همان، ص ۸۰؛ ر.ک: زندگی امیرالمؤمنین، رسولی محلّاتی، ج ۲، ص ۲۴۷.
۳۰. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۹۹؛ انسان کامل، مرتضی مطهری، ص ۴۵.
۳۱. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۲۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۷۷.
۳۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۷۹؛ زندگانی امیرالمؤمنین، ج ۲، ص ۳۲۱؛
انسان کامل، مرتضی مطهری، ص ۴۹.